

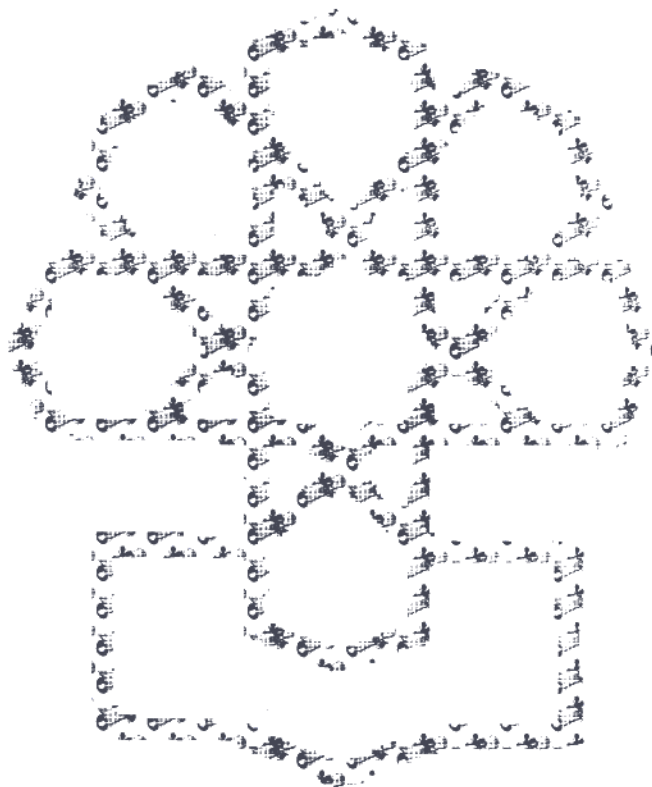
۱۵۷۲

۱۵۷۲

۲۵۹۹



بحثی پیرامون قوه قضایه



کار: دفتر بررسی های سیاسی-اجتماعی

معاونت پژوهشی

شهریورماه ۱۳۷۵

کد گزارش: ۲۷۰۱۵۷۲

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه و واحد اسناد و کتابخانه ملی
 شماره: ۱۳۳۵۵
 تاریخ: ۷۹/۱/۲۵

فهرست مطالب

۲	نکات برجسته
۳	مقدمه
۳	فصل اول: اهداف و وظایف قوه قضایه
۳	اهداف
۴	وظایف
۴	فصل دوم: قوه قضایه (قبل و بعد از بازنگری قانون اساسی)
۵	وضع فعلی قوه قضایه
۶	فصل سوم: قضات (ویژگی‌ها، امتیازات و وظایف)
۶	صفات و ویژگیهای قضات
۷	مصونیت قضات
۷	مسئولیت مدنی قضات
۷	وظایف و اختیارات قضات
۸	فصل چهارم: دادگاه‌ها، محاکمه‌ها و احکام صادره
۸	محاکمه‌ها
۸	احکام صادره
۸	فصل پنجم: تشکیلات قوه قضایه
۸	دیوان عالی کشور
۹	دادگاه‌های عمومی
۹	دیوان عدالت اداری
۱۰	دادگاه ویژه روحانیت
۱۰	سازمان‌های معین قوه قضایه

* قوه قضائیه، قوه‌ای است مستقل، که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت می‌باشد.

* از اهداف و وظایف قوه قضائیه می‌توان به احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادیهای مشروع، رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلامی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان اشاره نمود.

* به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه می‌باشد؛ ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری، تهیه لوایح قضایی مناسب با جمهوری اسلامی، استخدام قضات از جمله وظایف رئیس قوه قضائیه می‌باشد.

* وزیر دادگستری که مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه را بر عهده دارد به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه و توسط رئیس جمهور تعیین شده و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شود.

* قضات به عنوان محور اصلی قوه قضائیه، حق‌گذاری و اجرای عدالت می‌کنند، آنچه که در مورد قوه قضائیه و استقلال آن گفته شد، در مباشرت قضات قرار دارد؛ بدین معنی که قضات مسئولیت‌های خطیر قوه قضائیه را بر عهده دارند و خطرات نیز متوجه آنان است؛ وظایف قضات از نظر قانون اساسی عبارت است از: الزام به رسیدگی و صدور حکم، الزام به عدم اجرای آیین‌نامه‌ها (و قوانین) خلاف قانون و شرع.

* وظایف قوه قضائیه در تضمین حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت، از طریق سازمان‌های گوناگون قضایی و غیرقضایی اعمال می‌گردد که عبارتند از: دیوان عالی کشور، دادگاههای عمومی، دیوان عدالت اداری، دادگاه ویژه روحانیت، سازمان بازرسی کل کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

و...

از آنجاکه امنیت و آزادی، اساس و پایه حیات جامعه انسانی است و در تمام جوامع تنها قانون و قاضی تأسیسات تأمین کننده امنیت و آزادی فرد و اجتماع به شمار می‌روند، لذا قوه قضاییه اهمیت ویژه‌ای در پاسداری از حقوق مردم - به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون جامعه - دارد. حال در نظام جمهوری اسلامی نیز، سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است، تا این قوه مستقل از دو قوه دیگر (مقننه و مجریه) به دور از هر نوع رابطه و مناسبات ناسالم باشد.

فصل اول: اهداف و وظایف قوه قضاییه

بر اساس اصل یک‌صد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی:

«قوه قضاییه، قوه‌ای است مستقل، که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت می‌باشد».

قوه قضاییه مرجعی است که قضات آن می‌توانند زمامداران مقتدر را به لحاظ اتهام به پای میز محاکمه بکشانند و در صورت تقصیر، با عبارتی کوتاه، اما مستند و مستدل، آنان را محکوم به مجازات متناسب بنمایند. در این راه متظلمین خسته، قدرت از دست رفته را باز یابند و در جایگاه باور نکرده‌ی، اما بر حق خویش قرار گیرند.^۱

اصل یک‌صد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی در پی بیان استقلال قوه قضاییه، هدفها و وظایفی را برای این قوه مقرر داشته است.

اهداف

۱- احیای حقوق عامه و گسترش عدل: افراد جامعه دارای حقوق عدیده‌ای هستند و پاسداری و پشتیبانی از این حقوق، از اهداف این قوه بوده که از طریق تعقیب، محاکمه و مجازات متجاوزان به حقوق مردم، اعمال می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول گوناگون و به ویژه در فصل سوم، حقوق متعدد شخصی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، فکری، گروهی و غیره را برای افراد - جهت احترام به شخصیت و موجودیت آنها - قائل شده است.

۲- گسترش آزادهای مشروع: آزادی یکی از مهمترین آرمانهایی است که افراد دل در هوای آن دارند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تأمین و گسترش آزادی اصول متعددی مقرر شده است، نظیر:

- آزادی بیان و اندیشه؛

- آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها؛

- آزادهای اقتصادی.

آزادی افراد تا آن حد محترم است که حتی «هیچ مقامی حق ندارد... آزادهای مشروع را هر چند با وضع

قوانین و مقررات سلب کند».^۲

۱. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲)، ج ۲، ص ۵۰۳.

۲. همان، ص ۵۱۱ تا ۵۰۹.

وظایف

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می‌کند؛
- ۲- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظارت مذکور با جلوه‌های گوناگون در قوه قضائیه متمرکز شده است.
- قضات دادگاهها با صدور حکم مقتضی (مجازات، جبران خسارت، رفع تخلف و الزام به اجرای قانون) ناقض قانون را محکوم می‌نمایند. این حکم محکومیت، خود باید «مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است».^۱
- دیوان عالی کشور، در مقام رسیدگی شکلی، نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم را بر عهده دارد.^۲
- دیوان عدالت اداری در مقام رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران با واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی^۳ اجرا و یا عدم اجرای قوانین را در دستگاههای دولتی مورد بررسی قرار می‌دهد.
- فلسفه وجودی سازمان بازرسی کل کشور در قوه قضائیه، بر اساس حق نظارتی است که این قوه نسبت به حسن جریان و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری داراست.^۴
- ۳- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمان و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلامی؛
- ۴- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان.

فصل دوم: قوه قضائیه (قبل و بعد از بازنگری قانون اساسی)

قانونگذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (مصوب ۱۳۵۸)، تحت تأثیر تجارب گذشته، - که قوه قضائیه عملاً در حد یک وزارتخانه و تحت مدیریت وزیر دادگستری قرار داشت - به منظور جلوگیری از نفوذ و اقتدار قوای دیگر، اصولی را مقرر نمود که در مجموع استقلال این قوه و حفظ و حراست حقوق مردم به نحو اطمینان بخشی تضمین می‌شد:

بر اساس اصل و یک‌صد و پنجاه و هفتم قانون اساسی سابق:

«به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه، شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد که

بالاترین مقام قوه قضائیه است.»

به موجب اصل یک‌صد و پنجاه و هشتم قانون اساسی سابق:

«شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور؛

۲- دادستان کل کشور؛

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۶

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۱

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۳

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۴

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور...

به موجب اصل یک‌صد و شصت و دوم قانون اساسی سابق:

«رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد، عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور، آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.»
اصل یک‌صد و شصت و دوم قانون اساسی سابق نیز فقط کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مقننه و قوه مجریه را بر عهده وزیر دادگستری گذاشته بود.

بنابر مقررات مذکور، وزیر دادگستری هیچ نقشی در اداره قوه قضاییه نداشت و مدیریت قوه قضاییه به دور از دخالت قوای دیگر به صورت شورایی و به طور مستقل اعمال می‌شد؛ اما با وجود مراتب مثبتی که در تشکیلات قوه قضاییه وجود داشت، پس از گذشت قریب به ده سال، به نظر می‌رسید که اشکالات عملی در اداره امور این قوه وجود دارد؛ بدین معنی که شورای عالی قضایی به لحاظ تعدد آراء و نظرات و همچنین افکار و سلیقه‌های متفاوت اعضای آن، عملاً نمی‌توانست تأمین‌کننده بدون اشکال هدف اصلی - استقلال قضایی و استقلال قضات - باشد.^۱

وضع فعلی قوه قضاییه

پس از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، اصول مربوط به مدیریت قوه قضاییه به ترتیب ذیل تغییر یافت:

۱- رئیس قوه قضاییه و وظایف آن: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضاییه در کلیه امور قضایی، اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضاییه تعیین می‌نماید که عالیترین مقام قوه قضاییه می‌باشد.»^۲

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وظایف رئیس قوه قضاییه را چنین بازگو می‌کند:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یک‌صد و پنجاه و ششم؛

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی؛

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع

آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.^۳

۲- وزیر دادگستری: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضاییه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضاییه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضاییه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت، وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزرا به عنوان عالیترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود.»^۴

«و هم او مانند سایر وزرا توسط رئیس جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شود.»^۵ وزیر دادگستری، به محض تعیین و رسمیت یافتن، همانند سایر وزرا «مسئول وظایف خاص خویش در برابر رئیس جمهور و مجلس است و در اموری که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد مسئول

۱. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۱۷.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۷.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۸.

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۰.

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۳۳.

اعمال دیگران نیز هست.^۱ در مورد وظیفه خاصی که قانون اساسی بر عهده وزیر دادگستری گذاشته است، به نظر نمی‌رسد که وی در مقابل رئیس قوه قضاییه مسئول باشد. به طور کلی، اصل یک‌صد و شصتم قانون اساسی مجموعاً دو سمت متفاوت را برای وزیر دادگستری مقرر داشته است:

۱- مسئولیت روابط قوه قضاییه با سایر قوا؛

۲- قائم مقامی رئیس قوه قضاییه.

فصل سوم: قضات (ویژگی‌ها، امتیازات و وظایف)

قضات به عنوان محور اصلی قوه قضاییه، حق‌گذاری و اجرای عدالت می‌کنند، آنچه که در مورد قوه قضاییه و استقلال آن گفته شد. در مباشرت قضات قرار دارد؛ بدین معنی که قضات مسئولیت‌های خطیر قوه قضاییه را بر عهده دارند و خطرات نیز متوجه آنان است.^۲

صفات و ویژگی‌های قضات

شرایط و ضوابط استخدام قضات با سایر کارگزاران دولتی و عمومی، متفاوت و متمایز است. آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (ع)، ویژگی‌های لازم برای قضات را بر شمرده‌اند. فقهای شیعه نیز با استفاده از آیات و روایات، در کتاب‌های فقهی خویش این ویژگی‌ها را مشخص نموده‌اند. در این راستا امام خمینی (ره) نیز در صفات قاضی، بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، اجتهاد مطلق، مرد بودن، پاکی تولد و اعلم بودن را شرط دانسته‌اند.^۳

قانون اساسی جمهوری اسلامی، با بذل توجه دقیق به این امر مهم مقرر می‌دارد:

«صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.»^۴

در اجرای این اصل، ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ چنین می‌گوید:

قضات از میان مردان واجد شرایط زیر انتخاب می‌شوند:

۱- ایمان و عدالت و تعهد عملی نسبت به موازین اسلامی و وفاداری نسبت به نظام جمهوری اسلامی

ایران؛

۲- طهارت مولد؛

۳- تابعیت ایران و انجام خدمت وظیفه و یا دارا بودن معافیت قانونی؛

۴- صحت مزاج و توانایی انجام کار و عدم اعتیاد به مواد مخدر؛

۵- دارا بودن اجتهاد یا اجازه قضا ...

مصونیت قضات

قضات برای ایفای وظیفه خطیر خویش در مقابل، ارباب نفوذ و اقتدار و تمایلات آنها، باید استقلال، امنیت و

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۳۷

۲. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۲۶

۳. امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، (نهران انتشارات اعتماد، ۱۳۶۱) ص ۳۶۷

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۳

فراغ خاطر داشته و از ترس تغییر شغل، تزلزل مقام، مرتبت و تعقیب، نگرانی نداشته باشند. اصل مصونیت قضات، گذشته از منطقی و عقلایی بودن، حاصل تجربه ارزشمندی است که در گذر از استبداد به دموکراسی قضات دست نشانده فرماتر و ایان مستبد را تبدیل به قضات مستقل و مقتدری برای اجرای عدالت نموده است.^۱

اصل یکصد و شصت و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی در خصوص مصونیت قضات مقرر می‌دارد:

«قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد».

در خصوص قسمت اول اصل فوق لازم به تذکر است که چنانچه قضات به سبب شغل قضاوت متهم باشند یا مرتکب جرایم عمومی شوند، از طریق دادگاه عالی انتظامی قضات رسیدگی خواهد شد و در صورتی که قاضی فاقد صلاحیت امر قضا تشخیص داده شود، از طریق رئیس قوه قضاییه، دادگاه صالح و مجمع تشخیص مصلحت نظام، پی‌گیری خواهد شد.^۲

مسئولیت مدنی قضات

از آنجا که «دادخواهی حق مسلم هر فرد بوده و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید»،^۳ چنانچه «در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن بوده و در غیر این صورت، خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد».^۴

وظایف و اختیارات قضات

بیان تفصیلی وظایف و اختیارات قضات - چه در مقام دادرسی و چه در سایر موارد - خارج از بحث ماست اما وظایف قضات از نظر قانون اساسی عبارت است از:

الف: الزام به رسیدگی و صدور حکم؛^۵

ب: الزام به عدم اجرای آیین نامه‌ها (وقوانین) خلاف قانون و شرع.^۶

فصل چهارم: دادگاه‌ها، محاکمه‌ها و احکام صادره

دادگاه‌ها مرجع تظلمات عمومی است و مردم با مراجعه به آنها و اقامه دعوا، امنیت خاطر خویش را باز می‌یابند و در واقع تأسیسات اصلی قوه قضاییه می‌باشد،^۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این مورد

۱. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۳۲

۲. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۳۸ - ۵۳۴

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۴

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۱

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۷

۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۰

۷. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۵۶

تصریح می‌کند:

«اعمال قوه قضاییه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است...»^۱

محاكمه‌ها

به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«محاكمه‌ها، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافعی عفت یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی، طرفین دعوا تقاضا کنند که محاكمه علنی نباشد.»^۲

احكام صادره

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد ویژگی‌های احكام صادره دادگاه‌ها چنین معروض می‌دارد:

«احكام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده

است.»^۳

فصل پنجم: تشکيلات قوه قضاييه

«وظايف قوه قضاييه در تضمين حقوق فردی و اجتماعی و تحقق عدالت از طریق سازمان‌های گوناگون قضایی و غیر قضایی اعمال می‌گردد. تأسیس این سازمان‌ها یا در قانون اساسی صریحاً پیش بینی شده»^۴ و «یا تشکیل و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است»^۵ و یا آنکه ضرورت وجود آنها به تناسب مسئولیت‌های قوه قضاییه^۶ یا در هر ارتباط موضوعی با آن احساس می‌شود. تنوع تشکيلات مورد لزوم در این قوه ایجاب می‌کند که سازماندهی آن را در یک دسته‌بندی مورد بررسی قرار دهیم:

دیوان عالی کشور

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با قبول اهمیت دیوان عالی کشور، مقرر می‌دارد:

«دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود، بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضاییه معین می‌کند تشکیل می‌گردد.»^۷

به موجب قانون اساسی: «رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضاییه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.»^۸

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که دیوان عالی کشور در مجموعه قوه قضاییه به عنوان عالیترین سازمان

قضایی انجام وظیفه می‌نماید.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۶۱

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۵

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۶

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۲۱، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۳ و ۱۷۴

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۹

۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۸

۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۱

۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۶۲

وظایف و اختیارات دیوان عالی کشور عبارت است از:^۱

الف - نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم؛

ب - ایجاد وحدت رویه قضایی؛

ج - محاکمه رئیس جمهور؛

د - حل اختلاف مراجع قضایی؛

ه - نظارت شکلی و ماهوی بر کار دادگاه‌های کیفری و حقوقی یک.

دادگاه‌های عمومی^۲

دادگاه‌های عمومی را می‌توان عبارت از مراجعی دانست که حق رسیدگی و صدور حکم نسبت به عموم دعاوی را صرف نظر از ویژگی دعوا یا ویژگی مدعیان دارا باشد. در نظام نوین دادگستری جمهوری اسلامی ایران، دادگاه‌های عمومی عبارت است از:

الف - دادگاه‌های حقوقی؛

ب - دادگاه‌های کیفری؛

ج - دادگاه‌های مدنی خاص؛

د - دادگاه‌های سیار و...

ذکر این نکته ضروری است که مجرمان نظامی به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی^۳ باید در محاکم نظامی محاکمه شوند.

دیوان عدالت اداری

«به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند».^۴

همچنین به موجب قانون اساسی:

«قضات دادگاه‌ها مکلفند از اجرای تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند».^۵

دادگاه ویژه روحانیت

در کشور جمهوری اسلامی ایران، علما و فقهای اسلام با توجه به وظایف ارشادی و آموزشی که در مسائل دینی دارند، در گروهی خاص قرار می‌گیرند و جامعه اسلامی آنها را با نام «روحانیت» می‌شناسد و همواره مشخص و مد نظر عموم می‌باشند. بر این اساس و برای حفظ منزلت جامعه روحانی، دادگاهی برای

۱. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۷۰ الی ۵۷۵

۲. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۵۷۷

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۲

۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۳

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۰

رسیدگی به پرونده‌های روحانیونِ خطا کار تاسیس شده است تا ضمن حفظ شوون روحانیت، دامن این قشر مورد احترام، همواره از آلودگی‌ها پاک بماند. دادگاه‌های ویژه روحانیت در موارد ذیل، صالح به رسیدگی می‌باشند:^۱

الف- کلیه جرائم عمومی روحانیون؛

ب- کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون؛

ج- کلیه اختلافات محلی محل امنیت عمومی (در صورتی که طرف روحانی باشد)؛

د- کلیه اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده می‌شود.

سازمان‌های معین قوه قضاییه

سازمان‌ها و تشکیلات غیر قضایی متعددی در مجموعه قوه قضاییه قرار دارد اما قانون اساسی موارد مشخص را پیش‌بینی نموده که وجود آنها برای انجام برخی از وظایف قوه قضاییه ضروری است.

سازمان بازرسی کل کشور^۲

به موجب قانون اساسی «بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون معین می‌کند»^۳.

۱. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۶۱۱.
۲. دیگر سازمانهای غیر قضایی، وابسته به قوه قضاییه، عبارتند از: ۱- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۲- سازمان زندانها و اقدامات امنیتی و تربیتی کشور ۳- دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری ۴- روزنامه رسمی کشور و ...
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۷۴.